

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

سهیلا

۲۵ می ۲۰۲۵

برای مادری که رفت و نرفت!

گزارش مراسم وداع با رفیق «مادر شایگان» در آرامگاه پرلاشز، پاریس



در سایه دیوار کهن کموناردها،

عکسی بود از یک زن چریک فدائی خلق،

زنی پیشمرگه که همه مقاومت بود و نبرد.

نسیم، نامش را زمزمه کرد،

خاک، آغوشش را گشود.

دوستانانش، در سکوت اشک ریختند،

او، در سکوت،

بلندتر از همیشه ایستاد.

در روز ۲۵ اپریل ۲۰۲۵ مراسم وداع با مادر در فضای خاص و پر از احساس گورستان تاریخی پرلاشز پاریس در روزی خاکستری و آرام برگزار شد؛ جایی که یاد و تاریخ مبارزاتی انقلابیون و آزادیخواهان در هم تنیده‌اند.

مراسم را در مقابل "دیوار کموناردها" آغاز کردیم؛ دیواری که همواره نمادی از ایستادگی، عدالت‌خواهی و آرزوهای بشردوستانه برای جهانی بهتر است؛ دیواری که هزاران آرزوی آزادیخواهانه سرکوب‌شده و امیدهای انقلابی به خون نشسته را در دل خود دارد. این دیوار از زمان برپایی اولین حکومت کارگری در پاریس، سالهاست که نماد مبارزه و مقاومت و امید به پیروزی طبقه کارگر بوده است.

عکس مادر را در کنار این دیوار قرار داده بودیم. تصویرش با همان نگاه آرام اما استوارش، با اسلحه‌ای در دست و لباس کردی پیشمرگه‌ها (که در زمان مبارزه مسلحانه‌اش در صفوف چریکهای فدائی خلق در کردستان در جنگ علیه جمهوری اسلامی به تن داشته) تصویری که بیش از هر کلامی از رنج، مهر، مقاومت و مبارزه با سیستم طبقاتی حاکم و هم از زندگی یک چریک فدائی خلق سخن می‌گفت، در پای دیوار کموناردها به فضای سنگین و غمگین مراسم، گرمائی از مهربانی و احساسی پر از امید به پیروزی خلق علیه دشمن داده بود.

رفقاء و دوستان زیادی از سراسر شهر پاریس و شهرها و کشورهای دیگر آمده بودند تا آخرین وداع را با او انجام دهند. هر کسی خاطره‌ای، سخنی، یا فقط سکوتی سنگین به همراه آورده بود.

در کنار عکس مادر در پای دیوار پرلاشز، رفیق اشرف دهقانی ایستاده بود. دیوار کموناردها، پشت سر او گواهی می‌داد بر تاریخ ایستادگی، و رفیق اشرف دهقانی در سایه این دیوار، به یاد یکی از رفقای ایستاده بود که خود، دیواری از عشق به خلق و مقاومت و مبارزه علیه دشمنان خلق بود. رفیق اشرف دهقانی مطالب بسیار مهمی درباره زندگی مبارزاتی رفیق مادر و تأثیر عمیقی که بر اطرافیانش گذاشته بود بیان کردند. به باور من این صحبت‌های رفیق اشرف درواقع سندی تاریخی نیز محسوب خواهند شد، به‌خصوص برای افزایش آگاهی نسل جوان انقلابی که یاور مبارزات انقلابی طبقه کارگر برای نابود کردن سیستم سرمایه‌داری در ایران خواهد بود.

سپس در داخل سالون که پر از جمعیت شده بود، رفیق فریبرز سنجرى در رابطه با صحبت‌های مهمی بیان کردند. یک بخش از ویدئوکلیپ مصاحبه رفیق مادر شایگان نیز پخش شد، همان ویدئوکلیپی که او در جریان مصاحبه تهمت‌ها و تحریفات رژیم جمهوری اسلامی و سلطنت‌طلبان علیه چریکهای فدائی خلق را رد کرد و در رابطه با کشته شدن فرزندانش توسط ساواک، توضیح داد.



رفیق فربرز سنجرى نیز در سخنانش یادآوری کرد که چگونه رفیق مادر همیشه بی‌هراس، در برابر ظلم ایستاد و هرگز قامتش خم نشد و از راهی که برگزیده بود بازنگشت.

پس از سخن‌ها و سکوت‌ها، خاکسترش را به گوشه‌های دیگر از پرلاشز بردیم؛ جایی که پیش‌تر مادر سنجرى نیز در آن آرام گرفته بود. در سکوتی آمیخته با اندوه و احترام، خاکسترش را به خاک سپردیم. اکنون او در کنار "مادر سنجرى" و آزادیخواهان دیگری آرمیده که دوستشان داشت و دوستش داشتند. این زمین اکنون حافظ خاطره دو مادر چریک فدائی خلق شد که تا آخرین لحظه‌های زندگی، چراغ ایستادگی را خاموش نکردند.

در کنار خاکسترش خاطراتی از او را زنده کردیم. از روزهای دشواری گفتیم که مادر، در برابر سختی‌ها و نابرابری‌ها، قامت خم نکرد و راه خود را ادامه داد. او از نسل زنان چریک فدائی خلق بود که با تمام وجود در برابر سیستم سرمایه‌داری (و از جمله ساختارهای مردسالارانه آن) ایستادند و مبارزه کردند، زنانی که باور داشتند حق دارند صدا داشته باشند، زندگی‌شان را خود انتخاب کنند و برای آزادی و رهایی طبقه کارگر و دیگر ستمدیدگان، مسلحانه مبارزه کنند.

زندگی مادر مجموعه‌ای از مبارزه‌های کوچک و بزرگ بود؛ مبارزه‌هایی که تأثیراتشان در دل دوستان و اطرافیانش باقی ماندند. او سال‌ها با ستم و استثمار جنگید و در جامعه‌ای که فرهنگ طبقه حاکم حضور زن را بی‌ارزش می‌شمرد، جای خود را به مثابه یک چریک فدائی خلق با استواری باز کرد. این مبارزه‌ها آسان نبودند؛ مادر بهای سنگینی پرداخت، از رنج‌های تنهائی و محرومیت و از دست دادن جگرگوشه‌هایش گرفته تا لحظات مقاومت در زیر شکنجه‌های ددمنشانه ساواک دست‌ساز شاه و امپریالیستها و برخاستن‌های دوباره‌اش.

رفقاء و دوستان بسیار آمده بودند؛ چهره‌هایی که هر یک بخشی از قصه مادر را در خاطر داشتند. هر کس از او گفت؛ از زنی که هرگز آسان زندگی نکرد، اما زیبا و سرافراز زیست. زنی که با حکومت‌های ضدبشری شاه و جمهوری اسلامی جنگید.

رفیق مادر با عزت و شرافت یک چریک فدائی خلق زیست و با شکوه رفت.

مراسم با آرامی پایان گرفت؛ اما در دل‌های ما، قصه مادر تازه آغاز شده است. قصه زنی که با همه رنج‌هایش عشق به خلق و کینه به دشمن در دلش جای داشت، با همه شکست‌هایش برخاست، و با همه زخم‌هایش لبخند زد. اکنون او در دل پرلاشز آرمیده، در دل دیوارها و درخت‌هایی که خاطره آزادی و ایستادگی را در خود نگه می‌دارند. او حالا در دل پرلاشز، در کنار مبارزانی که برای آزادی جنگیدند، آرمیده است. رفقای راستین او، میراث او را - مقاومت و مبارزه با دشمن، مهربانی با خلق ستمدیده، و صداقت را - در دل و جان خود حمل خواهند کرد.

این مراسم، با همه غم و اندوه، پر از عشق و خاطره و حضور گرم رفقاء و دوستانش بود؛ وداعی درخور زنی که زندگی‌اش سرشار از محبت و ایستادگی و مبارزه بی‌امان علیه سیستم سرمایه‌داری بود.

سهیلا

۲۷ اپریل ۲۰۲۵